مدیریت شهری
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018
۴۳۱-۴۵۱
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱

بازخوانی حیاط خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم شناسی فرهنگی

محمدرضا عطایی همدانی- دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
وحید شالی امینی* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
مهدی حمزه نژاد- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
ویدا نوروز برازجانی- استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده
پراکندگی پژوهش‌های معاصر معماری که با ورود شرق‌شناسان به سرزمین‌های کهن آسیایی از جمله ایران آغاز شده است. در مطالعات محققین بومی نیز به چشم می‌خورد. می‌توان این پراکنده گویی‌ها را محصول اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی علم مدرن دانست. در نظریات پسا اثبات‌گرایی سعی شده است از نگاهی کل نگر به ارتباط بین علوم دقت شود و بوم شناسی فرهنگی از چنین دیدگاهی نظرات پراکنده محققین بویژه بوم شناسان و فرهنگ شناسان را به هم مرتبط ساخته است. روش تحلیل داده‌ها کیفی با تحلیل محتوا است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی می باشد. ارتباط الگوی سکونت و به تبع آن معماری با بوم و انسان قابلیت ورود بوم شناسی فرهنگی در تحقیقات معماری را نشان می‌دهد که بویژه در پژوهش های معماری پایدار موضوعیت و ضرورت دارد. پژوهش حاضر ضمن معرفی بوم شناسی فرهنگی عوامل محیطی و فرهنگی همبسته را بعنوان مدلی برای بازخوانی الگوی سکونت و محصولات کالبدی آن که در اینجا حیاط خانه ایرانی است بکار می برد و در پاسخ به عوامل و علل مؤثر در شکل گیری و تثبیت و توسعه الگوی حیاط خانه ایرانی، تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی را معرفی می کند و آنها را همبسته با عوامل محیطی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی می داند.
واژگان کلیدی: بوم شناسی فرهنگی، حیاط، الگوی سکونت، محیط، معیشت.

Review of the Iranian house on the basis of cultural ecologic theory

Abstract
The study of contemporary architectural research begins with the arrival of the East Asian land, including Iran. In studies, indigenous researchers are also seen. It can be considered as a product of modern science. In post - theories, it has been attempted to look at the relationship between the sciences and the cultural ecology of such a view of the researchers, especially ecologists and sociologists. Data analysis method is qualitative analysis and data collection method is documented. The communication pattern and consequently the architecture with the canvas and the human being demonstrate the ability to enter the culture of culture in architectural research, particularly in sustainable architectural research. The present study, introducing cultural ecology of environmental and cultural factors, serves as a model for the residence model and its body products, which are the Iranian home yard, and introduces them to the environmental factors such as the topology, climate, and geography of the Iranian house.
Keywords: Cultural ecology, Settlement, Environment, livelihood.

نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۴۹۳۸۵؛ رایانامه: vs_amini@yahoo.com
این مقاله مستخرج از رساله با عنوان «مصالح گزینی بر اساس بوم فرهنگی در ایران» نگارش محمدرضا عطایی همدانی و راهنمایی وحید شالی امینی و مشاوره مهدی حمزه نژاد و ویدا نوروز برازجانی است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

مقدمه

در پی ناکافی دانستن پارادایم‌های علمی اثبات‌گرا در ایجاد تصویر روشنی از جهان هستی و پدیده‌های آن در پارادایم‌های پسااثبات گرایی و انتقادگرایی بوجود آمده پس از آن، برای ایجاد تصویری همگن و روشن برکل-نگری تاکید شده و گرایشات بین رشته‌ای برای کشف ارتباط علوم باهم ایجاد گشت. از این گرایشات بین رشته‌ای می‌توان به «بوم‌شناسی فرهنگی» اشاره کرد که پدیده‌های محیطی را در ارتباط با پدیده‌های فرهنگی می داند. این گرایش ریشه در «بوم‌شناسی زیستی و تجربی» دارد و به نوبه خود در ظهور جنبشهای زیست محیطی اواخر قرن بیستم نقش داشته است. از سویی دیگر، «بناهای حیاط‌دار» در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه به‌طور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند و در هر کدام از دوره‌های تاریخی حیاط یک یا چند کاربرد از آنچه یاد شد را داشته است. ابتدایی‌ترین روش محصور کردن یک سر پناه در داخل یک حصار را می‌توان در حصارهای سنگی دالمن‌هایی در آذربایجان مشاهد کرد. این حصارها هرچند که ارتفاع زیادی ندارند ولی نشانه ای از تفکر در مشخص کردن حدود مالکیت از طرف سازنده آن می‌باشد (معماریان، ۱۳۷۵، ص ۱۶). همچنین، روش‌های بوم‌شناسی فرهنگی در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۶۰ میلادی کمتر در رشته های معماری و شهرسازی ورود پیدا کرد و بیشتر به بررسی نوع سکونت و معیشت جوامع روستایی و کوچ‌نشین در علم مردم شناسی متداول شد اما پیشرفت‌های مبانی نظری و مدل های آن توانست در پژوهش‌های معماری و شهرسازی بکارگرفته شود. هم چنین ارتباط روانشناسی بوم‌شناختی و بوم‌شناسی فرهنگی می تواند در پژوهش های طراحی محیطی افق های جدیدی بگشاید و درک بهتری از فضایی برای انسانِ وابسته به بستر محیطی و نه انسان در تعریف عَمومی ایجاد کند. بر اساس منطق محیطی، عرصه‌های شهری بخش‌هایی جداناپذیر از عرصه‌ی طبیعت فرادست محسوب می‌گردند. بدین‌ترتیب نزدیکی به‌شرایط طبیعی مهم‌ترین اصل در چنین نگرشی محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر نظام‌های بوم‌شناختی دارای گستره‌ای از ارتباطات و تأثیرات متقابل بوده (ماتلاک، ۱۳۷۹) و از این جهت قائل شدن به مرز میان آن‌ها ممکن نمی‌باشد. به همین‌ترتیب نظام بوم‌شناسی شهری، بخشی متعامل و مرتبط با نظام بوم‌شناختی کلان و فرادست محسوب می‌گردد که به واسطه حضور انسان دچار دگرگونی و تغییراتی شده است. در این مقیاس، فضاهای سبز شهری عمده‌ترین عرصه فعالیت معماران منظر محسوب می‌شوند. با توجهه به نقش عمده‌ی فضاهای باز شهری در نظام اکولوژیک شهر، دانش بوم‌شناسی منظر شهری به طور ویژه به این فضاها از جنبه‌ی ساختار و کارکرد بوم‌شناسانه‌ی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به ارتباطی که دانش بوم‌شناسی منظر میان ساختار فضایی و کارکردهای نظام اکولوژیک قائل است، در نگرشی دینامیک و فرآیندگرا نسبت به فضاهای باز شهری به کمیت و اعداد و ارقام سرانه‌ی این فضاها اکتفا ننموده و به کیفیت، ترکیب، توزیع وسعت و ارتباطات ساختاری می‌پردازد (یاوری، ۱۳۸۵). در ایران پژوهش‌های بین رشته‌ای، بین فرهنگ و معماری بیشتر گرایشان انسان‌شناسی فرهنگی رامبنا قرار داده اند و کمتر اشاره‌ای به نقش زیست‌بوم در فرهنگ شده است. از مهمترین آثار دراین زمینه میتوان به پژوهش محمدرضا حائری در مورد خانه‌های ایرانی با نام «خانه، طبیعت، فرهنگ» (حائری، ۱۳۸۸) اشاره کرد که تاثیر بسزایی در پژوهشها متاخر دراین رابطه داشته است. می توان پژوهش های صورت گرفته در رابطه با معماری ایرانی را بجز تحقیق یادشده در چهار گروه دیگر دسته‌بندی نمود: ۱- بررسی سیرتاریخی معماری خانه (ابولقاسمی، پیرنیا و غیره)؛ ۲-بررسی تطبیقی خانه ایرانی با خانه دیگرملل (عینی فر، معصومی و غیره)؛ ۳- بررسی اقلیمی خانه های ایرانی (قبادیان)؛ و ٤- بررسی مبانی جهان بینی معماری ایرانی (نقره کار، نوایی، نقی زاده و غیره). پژوهش حاضر از ادبیات، ابزار ها و شیوه بررسی بوم شناسی فرهنگی در بازخوانی حیاط خانه ایرانی، استفاده شده و در فرایند توسعه حیاط خانه ایرانی عوامل تکنولوژیکی، معیشتی و جهان بینی را به طور همزمان موثر در نظر گرفته شده است.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

روش تحقیق

دیدگاه نظری پژوهش حاضر اثبات گرایی و عملگرایی است که با نگاهی کل نگر به پدیده های انسانی و محیطی می نگرد. روش جمع آوری داده‌ها اسنادی و روش تحلیل آن‌ها کیفی و از نوع تحلیل محتواست. ابزار اندازه گیری به سبب کیفی بودن داده‌ها، واژه ها و عبارات و مشاهدات بصری است و بستر مورد پژوهش نیز خانه سنتی دارای حیاط مرکزی واقع در فلات مرکزی و حاشیه کویر ایران است.

مبانی نظری

اکولوژی

برای پی بردن به مجموعه از روابط متقابل گیاهان و جانوران و محیط پیرامون آنها، علمی به نام «اکولوژی»[1] به‌وجود آمده است. به کارگیری روزافزون این لغت در محاورات روزانه موجب گردیده است که نظیر بسیاری از موارد مشابه، این لغت مفهوم گسترده‌تری را به خود اختصاص دهد و یا حتی از مفهوم اصلی و واقعی اولیه خود نیز دور شود؛ بنابراین قبل از هر چیز ضروری است که بدانیم اکولوژی چیست؟ واژه اکولوژی از دو کلمه یونانی:

۱. «اویکوس»[2] (به معنی مسکن، خانه، بستر زیست یا محل زندگی) و
۲. «لوگوس»[3] (به معنی شناخت، علم یا دانش) تشکیل شده و معنای تحت الفظی آن عبارت است از بررسی یا مطالعه موجودات زنده در بستر زیستشان.

این واژه برای اولین‌بار توسط یک زیست‌شناس آلمانی به نام «ارنست هکل»[4] در سال ۱۸۶۹ میلادی به کار برده شد و معادل‌های آن در فارسی عبارتند از بوم‌شناسی، محیط شناسی و یاکدشناسی. اکولوژی در واقع شاخه‌ای از علم زیست‌شناسی است. در علم زیست شناسی مطالعه برخی خصوصیات موجودات زنده در طول حیاتشان از جمله مطالعه خصوصیات ظاهری[5] ، تشریح اعضا موجودات زنده[6]، بررسی وظائف اعضا مختلف[7] و رده‌بندی موجودات[8] زنده بیشتر مدنظر است. در برخی مطالعات زیستی نظیر بررسی خصوصیات فیزیولوژیکی موجودات زنده، تاثیر عوامل محیطی را در شرایط آزمایشگاهی و به صورت مصنوعی بر روی موجود زنده مورد بررسی قرار می‌دهند، در صورتی که ویژگی دانش اکولوژی بررسی تاثیر عوامل محیطی در شرایط طبیعی بر روی موجودات زنده می‌باشد زیرا در طبیعت عوام بسیار زیادی با یکدیگر مرتبط بوده و تغییر در یکی می‌تواند موجب بروز نوساناتی در دیگری گردد؛ به همین دلیل دشواری مطالعات اکولوژیکی، پیچیدگی شرایط مطالعه می‌باشد.

البته این موارد ارتباط تنگاتنگی با معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن دارد؛ چنانچه از آنجا که بوم‌گرایی، شناسنامه معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می‌رود، نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است، در شکل گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابد، به نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آنها متجلی است. ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به وسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست. در نیمه دوم قرن ۱۸ مطالعاتی علمی و خاص‌تری در مورد نحوهٔ زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمار شده صورت گرفت. لیکن این تحقیقات و بررسی‌ها بلافاصله اثر خود را بر روی حرفه معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و این امر تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ اثر بارز و خیلی آشکاری از خود بروز نداد. در سال ۱۹٦٤، «برنارد ردوفسکی»[9]

1. Ecology
2. Oikos
3. Logos
4. Ernest Haekel

5. Morphology
6. Anatomy
7. Physiology
8. Systematic
9. Bernard Rudofsky

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

نمایشگاهی را با عنوان «معماری بدون معمار» به همراه کتابی با همین نام فراهم کرد. به عقیده برخی، این واقعه همچون نقطه عطفی در شروع توجه جدی غر به معماری بومی واقع گردید و سرآغاز تحقیقات بسیاری در این زمینه شد. «وودهاوس»[10] در مقدمه کتاب خود توصیف نسبتاً دقیقی از جستجوها و مطالعات صورت گرفته در پیرامون موضوع معماری بومی را قبل و بعد از سال ۱۹۶۰ ذکر کرده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ٦٧). موضوع معماری بومی برای نخستین‌بار تحت نام‌های گوناگون، در کشورهای اروپای جنوبی- مرکزی و حدود چهل‌سال پیش روی‌کاغذ آمد. معماران و پژوهشگرانی که از آن سالها تاکنون به این موضوع پرداخته اند، زمینه هایی را برای اندیشیدن و توجه دادن به موجودیت و ماهیت این رده از محصولات فضای ساخته شده به دست داده اند (فلامکی، ۱۳۸٤، ص ۷۳)؛ «اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد، معماری خود جوش به ابداع جوزپه پاگانو بود.» (آلپاگونوولو، ۱۳۸٤، ص ۲۵)

انواع مطالعات بوم شناختی

اکولوژی بخش وسیعی از دانش زیست‌شناسی است. تقسیمات فرعی در این علم نظیر آنچه که در سایر علوم متداول است، ممکن است از دیدگاه‌های مختلفی صورت پذیرد. بدواً مطالعات انجام شده بر حسب نوع موجود زنده به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اکولوژی گیاهی:[11] علم شناخت رابطه گیاهان با محیط زیستشان؛
۲. اکولوژی جانوری:[12] علم شناخت رابطه جانوران با محیط زیستشان؛
۳. اکولوژی انسانی:[13] علم شناخت رابطه انسان با محیط زیستش؛

از طرف دیگر هریک از موارد مذکور برحسب تعداد موجود زنده مورد بررسی به دو گروه فرعی دیگر تقسیم می‌شوند:

10. Wodehouse
11. Plant Ecology
12. Animal Ecology
13. Human Ecology

الف- اکولوژی انفرادی[14]؛ در این مطالعه، رابطه یک گونه تنها با محیط اطرافش مورد بررسی قرار می گیرد. در این بخش از اثرات متقابل گونه مورد مطالعه و گونه های دیگر صرف نظر می گردد و عمدتاً حد بردباری موجود زنده در برابر عوامل اکولوژیکی و تاثیر محیط بر شکل ظاهری و خصوصیات فیزیولوژیکی و رفتاری موجود زنده مورد بررسی قرار می گیرد؛ مثلاً تعیین نیازهای یک گونه ما را قادر می‌سازد که حدوداً بتوانیم محل استقرار، پراکنش جغرافیایی، میزان انبوهی و فعالیت آن در محیط‌های مختلف تعیین نمائیم (مطالعه اکولوژی موجودات زنده به حالت منفرد).

ب- اکولوژی جمعی[15]؛ در این نوع مطالعه، رابطه بین افراد متعلق به گونه‌های مختلفی که در بطن یک گروه (با یک‌گونه) به سر می برند با محیط در بر گیرنده شان مورد بررسی قرار می گیرد (مطالعه اکولوژی موجودات زنده در جمع سایر موجودات). در اکولوژی جمعی، هدف شناخت بهتری از ساختمان و طرز کار اکوسیستم-هاست. اما بین متخصصان فرانسوی و امریکایی از نظر تعریف اکولوژی انفرادی تا حدی اختلاف نظر وجود دارد. بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی یک مطالعه هنگامی به صور انفرادی است که یک موجود زنده به تنهایی در ارتباط با محیط مطالعه می شود و هیچگونه رابطه‌ای با موجودات زنده دیگر در محیط ندارد. مثلاً گیاهان در مناطق نزدیک قطب یا در بیابانها در فواصل بسیار دور از یکدیگر رشد می کنند و عملاً هیچگونه ارتباط زیستی اعم از این که به گونه واحد یا گونه های متعدد متعلق باشد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه اکولوژی چنین موجودی از نظر تعریف متخصصین فرانسوی جزء مباحث اکولوژی جمعی است. متخصصین امریکایی به همین تقسیم‌بندی با جزئی اختلاف معتقد هستند. «اودوم»[16] (۱۹۷۳) از نظریه پردازان امریکایی معتقد است که اگر موجود زنده به حالت منفرد یا عده ای از افراد متعلق به این گونه

14. Autecology
15. Synecology
16. E.P. Odum

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

در رابطه با محیط بررسی شوند، این مطالعه یک مطالعه اکولوژی انفرادی است ولی اگر موجود یا موجودات زنده از یک گونه در جمع سایر موجودات زنده مورد بررسی قرار گیرند، مطالعه از نوع اکولوژی جمعی است مثلاً مطالعه یک درخت بلوط به حالت منفرد یا تعدادی از درختان بلوط متعلق به یک گونه مشخص در یک منطقه نوعی بررسی اکولوژی انفرادی است، اما مطالعه درخت یا درختان بلوط در یک جنگ و در جمع سایر گونه‌ها نوعی مطالعه اکولوژی جمعی است. بنابراین ملاحظه می شود که این دو نوع تعریف فقط جزئی اختلاف در مطالعات انفرادی دارند یعنی بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی مطالعه یک درخت بلوط در جمع درختان بلوط متعلق به همان گونه یک مطالعه اکولوژی جمعی است اما از دید تعریف متخصصین امریکایی یک مطالعه اکولوژی انفرادی است. از سویی، شناخت معماری بومی می تواند به منزله شناخت جامعه باشد. جامعه ای که همچنان از آغاز شکل گیری، برای بقا، با طبیعت در تنازع است. شهر کویری در نبردی سخت ومداوم با خورشید، به هنگام تابستان وجودش را در سایه گذرهایی سرپوشیده و باریک از گرما محفوظ می‌دارد (دادخواه، ۱۳۸٤، ص ۹۹). وضعیت فرهنگ بومی ساکنان هر سرزمین را می‌توان نتیجه این تقابل و انتخاب روش مردم بومی، در همزیستی با امکانات طبیعی دانست که بر حسب پیشرفت های تجربی- علمی ساکنان آن، امروزه شاهد انواع فرهنگ های بومی در نقاط مختلف جهان می باشیم (مهریار، ۱۳۸٤، ص ٥٤).

مطالعات اکولوژی جمعی خود می‌توانند با دو دیدگاه متفاوت صورت گیرند:

۱. اول، دیدگاه ساکن (پایا)[17] ، یا اکولوژی جمعی تشریحی که عبارت است از تشریح گروه های مختلف موجودات زنده که در یک نقطه معین با یکدیگر به سر می برند. در این قبیل مطالعات اطلاعات دقیقی در مورد ترکیب خاص گروه‌ها، انبوهی آن‌ها و تواتر آن‌ها جمع‌آوری می گردد. در این بخش به خصوصیات زمان حال اهمیت داده می شود و به گذشته و آینده توجهی نمی‌شود.

۲. دوم، دیدگاه پویا[18] یا اکولوژی کاربردی که خود دارای دو وجهه متمایز از یکدیگر است. یک وجه اکولوژی جمعی کاربردی، عبارت است از بررسی و تشریح نحوه تحول گروه‌های مختلف موجودات زنده و بررسی این امر که تحت تاثیر چه عواملی این گروه ها در یک محل جایگزین یکدیگر می گردند. وجه دیگر آن عبارت است از مطالعه چگونگی انتقال ماده و انرژی در میان اجزاء گوناگون تشکیل دهنده یک اکوسیستم، که در واقع مبنای اکولوژی کمیتی را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه بوم شناسی منظر شهری، فضاهای باز و سبز شهری عرصه‌هایی بی بدیل برای نزدیک‌تر شدن به الگوی طبیعی محسوب می شوند. در حقیقت این فضاها واجد قابلیتهایی عمده در حفظ و تداوم عملکردهای بوم شناسانه محیط می‌باشند. در این راستا و با توجه به اصل ارتباط ساختار- عملکرد، در نظر گرفتن ساختار و به- عبارتی نحوه توزیع، ترکیب، وسعت و ارتباطات در این فضاها، حائز اهمیت بسیار در چگونگی عملکردهای اکولوژیک شهر می‌باشد.

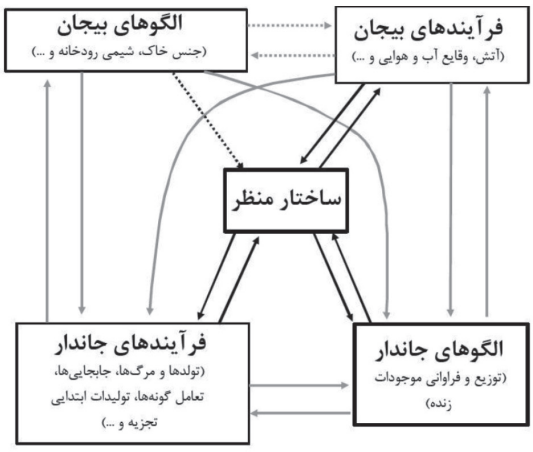

نمودار ۱. رابطه بین ساختار منظر و ساختارهای بوم‌شناختی محیط؛ ماخذ: Forman, 2008

17. Static

18. Dynamic

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

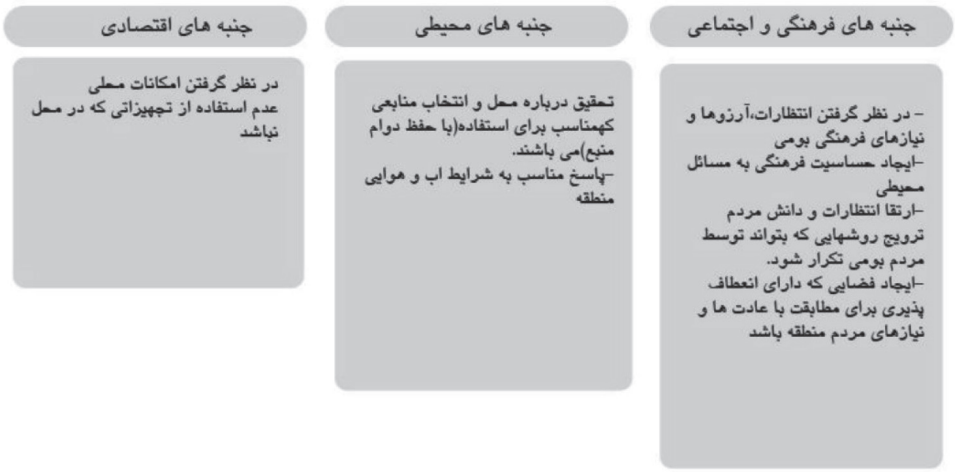

نمودار ۲. بررسی ابعاد پایداری در محیط و زیست بوم؛ ماخذ: Forman, ۲۰۰۸

نمودار ۳. جنبه‌های پایداری در زیست‌بومِ شهری؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

انسان شناسی فرهنگی و بوم شناسی فرهنگی

رشته انسان شناسی را می توان به دو حوزهء بنیادی تفکیک کرد: «انسان‌شناسی زیستی و انسان شناسی فرهنگی». انسان شناسی زیستی بیش از هر چیز انسان را به عنوان یک اندام‌وارهء زیستی مورد مطالعه قرار می دهد. انسان شناس زیستی از دانش ژن شناسی و شیمی زیستی برای شناخت کاملتری از تفاوت‌های انسانی و تکامل او سود می جوید. انسان شناس فرهنگی انسان را به عنوان یک موجود حائز فرهنگ مورد مطالعه قرار می دهد. او بیش از هر چیز به گردآوری داده هایی که به توضیح فرهنگ‌های متفاوت بشر و نیز به شیوه‌هایی که این فرهنگ‌ها موجودیت یافته و یا رشد کرده‌اند، می‌پردازد. داده‌های وی شامل مجموعهء پیچیده ای از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم اعضای آن جامعه است که مجموعا فرهنگ آن جامعه را می‌سازد (هاویلند،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

۱۳۸۲، ص۲۳). داده‌هایی که از طرق مختلف به ویژه طریق نمادها قابل انتقال است. تا زمانی که نمادها پایدار و قابل شناخت باشد آن فرهنگ نیز پایدار و قابل شناخت خواهد بود. با پیگیری تطبیق و تکامل فرهنگ و به طبع آن نمادهای آن در یک محیط خاص می توان به ارتباط برخی رویدادهای زمانی و مکانی دیگر با پدیده‌های فرهنگی رایج در یک جامعه پی برد. «بوم شناسی فرهنگی» نظریه‌ای است که در یک محیط خاص به بررسی ارتباط و ویژگی‌های محیطی با فرهنگ یک جامعه می پردازد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص۶۲)؛ بدین ترتیب بوم شناسی فرهنگی به مطالعه نحوه انطباق انسانها با محیط می پردازد و فرایندی که جوامع را قادر به بقا می‌سازد، پیگیری می‌کند. در این فرایند محصولاتی تولید شده و یا محیط تغییر می کند و در مقابل چنین فرایندی ممکن است تغییراتی در زبان، نماد ها و غیره به طور هم زمان و یا در ادوار مختلف به وجود بیاورد. بوم شناسی فرهنگی بر این باور است که محیط طبیعی در مقیاس خرد یا قدری که معیشت جوامع بر پایهء آن است مهمترین نقش را در سازماندهی اجتماعی و دیگر نهادهای انسانی دارد. بوم شناسی فرهنگی در سال ۱۹۵۵ توسط «جولیان استیوارد» به وجود آمد و وی از آن به عنوان روشی برای شناخت چگونگی سازگاری انسانها در تنوع گسترده ایی از محیط استفاده کرد. به نظر وی با روش هایی فرهنگ برای سازگاری با محیط مجبور به تغییر می شود و این تغییرات در بوم شناسی فرهنگی شناخته می شود (Joralemon, 2010). نکته مهم اینکه هر تغییر خاص در سازگاری انسان در قسمتی از میراث تاریخی و در تکنولوژی‌ها، اعمال و دانشی که به مردم اجازه زندگی در یک محیط را می‌دهد، رخ می‌نماید. امروزه مفهوم بوم شناسی فرهنگی یک نظریهء عمومی و به عنوان یک پارادایم در علوم انسانی و طبیعت شناخته می شود و این موضوع پیونددهنده اطلاعات بسیاری در یافته های رشته های گوناگون نظیر علوم انسانی و علوم تجربی است (Joralemon, 2010). طبق نظریه استیوارد شاخص هایی از فرهنگ در فرایند انطباق پذیری با پشتوانه تاریخی در مکان های خاص توسعه می یابد، بر اساس این نظر سه نکته اساسی قابل ذکر است:

۱. فرهنگ ها در محیط های مشابه ممکن است به طور مشابه سازگار شوند.
۲. تمام سازگاری‌ها تا زمانی که تغییرات محیطی رخ نداده است تداوم دارند.
۳. تغییرات انطباق پذیری ممکن است موجب تغییر و یا دگرگونی کامل یک فرهنگ شود. این تغییرات به عنوان تکامل چند خطی در تقابل با تئوری های تک خطی قرن ۱۹ و پیش از آن ارائه شده است (Zarin, 2010, p.41).

«استیوارد» پیش از تبیین بوم شناسی فرهنگی، فهم فرایند یا علل تحول فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده است. وی بر عامل بوم شناسی به عنوان عاملی مهم و نه تنها عامل در تعیین تحولات فرهنگی تاکید دارد. در سیر روند تکاملی بوم شناسی فرهنگی می‌توان تمرکز این مطالعات را بیشتر بر فرهنگ‌های خاص و گاه وجوه خاصی از فرهنگ در محیط‌های خاص دانست (مارکت،۱۳۸۳، ص ۱۹۲). در این شاخه دانشی برخی واژه ها کاربرد تخصصی دارند که بایستی تعریف شوند:

۱. «بوم شناسی»: مطالعه زیستگاه و شیوه‌های زندگی و تعامل بین همه موجودات زنده در یک محیط مشخص است.
۲. «اکوسیستم»: ارگانیسم‌های زنده و محیط‌های آن‌ها به همراه هم یک اکوسیستم یا نظام سازوکار شکل‌یافته‌ای از مبادلات و جریانات انرژی را شکل می‌دهند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

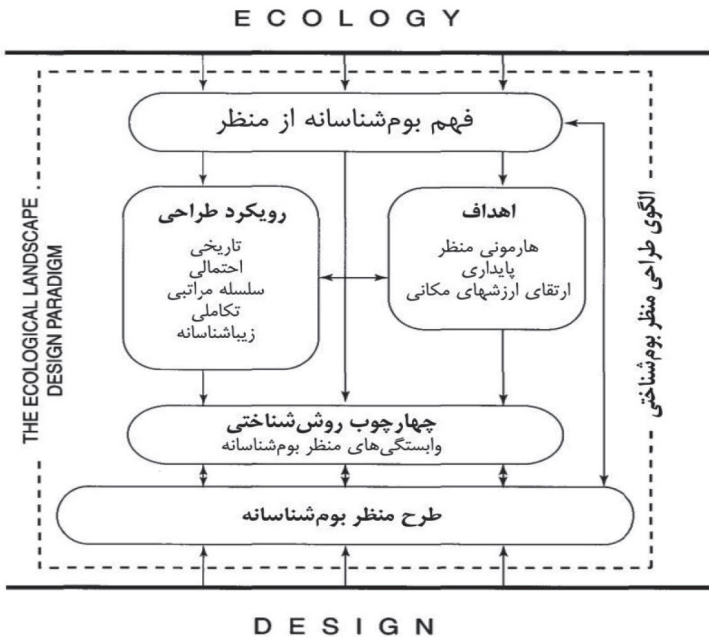

نمودار ٤. فرآیند طراحی بوم شناسانه منظر؛ مأخذ: Steiner, 2000

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

شاخصه های بوم شناسی فرهنگی

عمـوم مباحث بوم شناسـی فرهنگی، محیـط را دارای ویژگی‌هایـی معرفـی می‌کننـد کـه بـه طـور احتمالی می‌توانـد بـر خصایص یک جامعـه تاثیرگذار باشـند. پژوهشـگران ایـن رشـته مدعی‌انـد چهـار قلمـروی اصلـی در جامعـه وجـود دارد کـه به طـور خاصی از محیـط تاثیر می‌پذیرنـد: الف) تقسـیم کار؛ ب) اندازه و ثبـات جمعیـت؛ ج) توضیع گروه هـا در فضا؛ و د) قوانیـن اقامتی.

قلمـروی چهـارم (قوانین اقامتی) به طور مسـتقیم شـیوه خانـه سـازی و الگـوی سـکونتی را تعییـن می‌کننـد، گرچـه نمی‌تـوان قلمروهـای دیگـر را بـی تاثیـر دانسـت. در ایـن قلمـرو مفاهیم کلیـدی وجود دارد کـه بـرای درک بیشـتر الگـوی سـکونت مفیـد می باشد:

۱. «سـازگاری»: فراینـد طولانـی مـدت فرهنگی به منظـور حفظ تعـادل بین طبیعـت و منابع طبیعی در یـک محیـط مشـخص را گوینـد. ایـن فرایند دوسـویه اسـت. گاه گاه ممکن اسـت یک گروه اجتماعـی اسـتراتژی-ها و ابـزار هـای خـود را بـه منظـور سـازگاری بـا یـک محیـط خـاص و یـا اسـتفاده بهتـر از آن تغییـر دهنـد. گاه ممکـن اسـت از عناصـر جدیـدی از آن محیـط بهـره ببرنـد و یـا آن محیـط را به طور کامـل دگرگون سـازند. ارتقاء موقعیت رفاهی و زیسـتی انسـان در محیـط بـا فرایند سـازگاری انجام می‌شـود و منجـر به تغییرات در محیـط و فرهنگ می‌گردد؛ البتـه ایـن بـه معنـای تبعیـت مطلـق فرهنـگ از محیـط نیسـت (فکوهـی، ۱۳۸٦ ، ص ۳۱۸).

۲. «علیـت دوطرفـه»: رابطـه میان فرهنـگ و محیط بـه عنـوان یـک اصل موضوعـی در بوم شناسـی فرهنگـی اسـت از نظـر بـوم شناسـان فرهنگـی محیـط و فرهنـگ حوزه‌هـای مسـتقلی نسـبت بـه هـم نیسـتند و رابطـه بیـن آنهـا دیالکتیکـی اسـت و در اینجـا واژه علیـت دوطرفـه را بـرای نشـان دادن تعامـل بیـن آن ها بـه کار می-برند. یعنـی محیـط بـه فرهنـگ واکنش نشـان می‌دهد و برعکـس لـذا ایـن تعامـل دو سـویه اسـت نه تقابلـی و خطـی. ایـن رابطـه بیـن دو متغیر فوق را نمـی تـوان ثابـت در نظـر گرفـت بلکه بسـته بـه موضـوع سـهم هریـک از آن هـا مـی توانـد متفـاوت باشـد (Hardesty, 1977)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

۳. «هسته فرهنگ»: هسته فرهنگ عاملی فرهنگی است که بلافاصله با دنیای فیزیکی و محیط ارتباط می‌یابد و به نوعی یک ماده یا استراتژی خلاقانه در درون یک فرهنگ است. هسته فرهنگ یا الگوی تداوم حیات در طول زمان، در واکنش به بخش های مربوط به یک محیط خاص و موثری که از آن استفاده می شود (خاک، آب، هوا و غیره) متحول شده است. علاوه بر این هسته فرهنگ به عنوان یک ویژگی فرهنگ به نوبه خود ممکن است سایر ویژگی های فرهنگی (سازمان اجتماعی) را شکل دهد. از اینرو ایده هسته فرهنگ نوعی نقش تعاملی را در شکل‌دهی به تحولات فرهنگی، به محیط و فرهنگ محول می‌کند. از نگاه بوم‌شناسی فرهنگی همه مقولات محیطی و فرهنگی به هم مربوطند اما هسته فرهنگ بخش‌هایی از فرهنگ است که ارتباط نزدیکتری با محیط دارد و در تعریف دیگر، منظور از هسته فرهنگ، مجموعه ویژگی‌ها و مکانیزمها و استراتژی‌هایی است که در هر فرهنگی در امر تامین معیشت وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸٦، ص ۲۱۸).

٤. «زمان‌مندی»: کارکردهای ارجاعی نمادها در محیط دارای مولفه‌هایی زمان‌مند است و مرجعی برای تشخیص گذشته، حال و آینده می‌باشد. به نظر برخی بوم‌شناسان فرهنگی جوامع بومی حامل گذشته-شان هستند و همواره به تاثیر از آن فعالیت می کنند. هر فرد در جامعه سنتی تصور منسجم و یکپارچه‌ای از مکان سکونت دارد که به وسیله مفهوم گذر زمان به هم پیوسته می شود (Zarin,2010, p. 75).

۵. «تعلق مکانی»: زمانی سکونت برای یک اجتماع معنی پیدا می‌کند که در یک فضای مادی شروع به ساختن نماید و نحوه معیشت خود را نیز در آن مکان و به وسیله تکنولوژی‌های درخور و پاسخگو تامین نماید. در موضوع سکونت در یک مکان ارتباطات پیچیده‌ای بین افراد و مکان سکونتشان به وجود می آید که متغیرهای متعددی در آن ها دخیل هستند. زمانی مکان ها نام گذاری می شوند که آنها بیشتر در چشم باشند و احساس شوند و نام‌گذاری مکان منجر به ساخت آن می‌شود. احساسات، شناخت و رفتار های ارجاعی با محیط، عامل ایجاد تعلق به آن است و در این تعریف نمی توان عملکردهای نمادین را فراموش نمود (Zarin,2010, p. 41).

٦. چشم‌انداز فعالیت: این مفهوم از تحقیقات اینگلد گرفته شده است (Ingold,1995). وی در تکمیل مفهوم چشم انداز (Land scape) از چشم انداز فعالیت استفاده نموده و منظور وی فعالیتهای ترکیبی سکونت به عنوان Task یا وظیفه تعریف می شود که در فعالیت های اجتماعی و تکنیکی به صورت نهفته وجود دارد. چشم انداز فعالیت به آداب نمادین یا کارکردی دسته جمعی در چشم انداز مربوط می باشد. در نظر اینگلد چشم انداز فعالیت همان چشم انداز است اما به صورت پنهان. چشم انداز فعالیت نشان دهنده برشی از سکونت است به ویژه فعالیت هایی که سکونت مردم در مکان را ممکن می کند. چشم انداز فعالیت موجب تعلق به مکان می شود. اعمال ظاهری (تکنیکی) فرد از فعالیت های اجتماعی وی ناشی می شود (Zarin, 2010, p. 82).

پایداری بوم شناختی را می‌توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چند مقیاسی- فرامقیاسی نسبت به محیط زیست و مدیریت فعالیت های انسانی در چارچوب چنین چشم‌اندازی از محیط می باشد. بر مبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی (نظیر ساخت محیط انسان ساخت) در حیطه یک یا چند بوم سامانهٔ اصلی اتفاق می افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم، سامانهٔ همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیطِ فراتر می باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

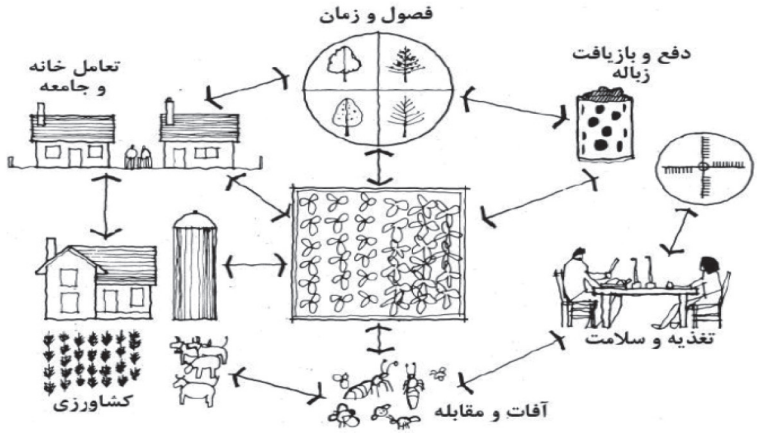

تصویر ۱. پایداری بوم‌شناسانه در شهر؛ ماخذ: Hough, ۲۰۰٤.

تغییر نگرش طراحان و برنامه‌ریزان، متأثر از دیدگاه‌های بوم‌شناسی نسبت به شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهرها شده است. به این واسطه ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت برای ساخت شهرهایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی توان احیا و خودساماندهی داشته باشند، ضروری است (Steiner,2004).

جدول ۱. خلاصه دستورالعمل فلورانس در نگهداشتِ بوم‌شناختی فرهنگی شهرها؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص۱٤.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
منشور فلورانس	**ماده‌ی ۸:** یک "منظر تاریخی"، منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد به یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف با یک جنگ حماسی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد. **ماده‌ی ۹:** اگر یک "منظر تاریخی" باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، مُحافظت و احیاء دارد هنگامی‌که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد، "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسبات بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد. **ماده‌ی ۱۰:** فعالیت "نگهداری"، "حفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی‌کلیه امور به صورت همزمان صورت‌گیرد. **ماده‌ی ۱۱:** از آنجایی‌که عناصر اصلی مناظر فرهنگی راگیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم از طریق جایگزینی انفرادی و هم از طریق برنامه بلندمدت نوسازی امکان پذیر خواهد بود. **ماده‌ی ۱۵:** هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه‌کامل صورت‌گیرد. **ماده‌ی ۱۷:** هرجایی‌که یک باغ به طورکامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی‌که از شکل سنتی الهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باغ قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثر یا خاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه‌بندی شود. **ماده ۳۰:** از آنجایی‌که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی‌سر و صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جداگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش های زنده و فعال در آن انجام شود، تا خواسته عموم افراد، بدون تعصبی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارضا شود. **ماده ۲۴:** یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش‌بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ‌نویسان، معماران، منظرو باغبانها باشند لازم است، مراقبت از سوی گیاه شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

جدول ۲. خلاصه دستورالعمل بنگاه پارکهای کانادایی در نگهداشتِ بوم‌شناختی فرهنگی؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
سیاست بنگاه پارکهای کانادایی	- **بخش ۳-۴-۱-۲-** در انجام فعالیت‌های حفاظتی این بنگاه به طور خاص از اصول احترام به شکل موجود و مصالحی هویت تاریخی یک مکان فرهنگی را تشکیل می‌دهند، آگاه است. فعالیت‌های حفاظتی بدین ترتیب حداقل ممکن تداخل برای دستیابی به اهداف را در برخواهدگرفت. - **بخش ۳-۴-۴-۴-** در مورد سایت‌ها و بناها، اصلاح ممکن است فعالیت‌های احیاء تاریخی را در برگیرد و احیاء به منظور ایمن‌سازی، نگهداری صحیح و قابلیت دسترسی باشد. - احیاء تاریخی به معنای، بهبود دقیق شکل قدیمی‌تر، ساختمان و اجزاء سایت یا ساختمان بر اساس شواهد ثبت شده و تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌ها از طریق انتقال ملحقات اخیر و جایگزینی عناصر از بین رفته یا تخریب شده دوره قبل‌تر می‌باشد. - **بخش ۳-۵-۲-۸-** موقعیت‌های خاص، بازسازی تاریخی با برگشت‌کل بناها یا مجموعه‌ها ممکن است به عنوان بهترین وسیله ممکن برای درک عمومی‌از عاملی با ارزش درگذشته پنداشته شود. بازسازی تاریخی قادر به اجرا نخواهد بود، مگر آنکه: - بازسازی مکان از بین رفته نیاز به مشارکت دانش‌های فنی، علمی و تاریخی باشد؛ و - هزینه بازسازی شامل نگهداری و عملیات مربوط به آن ممکن است در ارتباط با اهمیت تاریخی و امکانات قابل تفسیرکار بازسازی باشد. - اگر این نکات برآورده شوند، بازسازی تنها زمانی قابل انجام خواهد بود که: - آثار مهمی برای حفاظت نباشند که بازسازی‌آن‌ها را تهدید کند؛ و - اطلاعات پژوهشی‌کافی برای حمایت از بازسازی صحیح وجود دارد. - **بخش ۳-۵-۳-۱-** با توجه به برنامه و رویدادهای خاص، بنگاه پارک‌های کانادایی امیدوار است که فعالیت‌هایی‌که با اصول مُدیریتی مکان‌های تاریخی سازگار هستند، برای پارک ملی ویژه، سایت تاریخی ملی یاکانال تاریخی مناسب باشند و آیین بنگاه آن‌ها را قبول می‌کند. - **بخش ۳-۵-۳-۳-** رویدادهای خاص در جایی‌که به طور مستقیم با تقدیر و تحسین عموم از موضوعات تاریخی ارتباط دارند، باعث دلگرمی‌خواهند شد. - **بخش ۳-۵-۳-۴-** رویدادها وکاربردهای خاص به مکان تاریخی و هویت آن احترام خواهند گذاشت و به ایمنی، مشاهدات و لذات بازدیدکنندگان لطمه نمی‌زنند.

بوم‌شناسی فرهنگی و جهان‌بینی

در بوم‌شناسی فرهنگی فرهنگ عامل انسجام و ترکیب‌کننده اجزای گوناگون هر اکوسیستمی که انسان نیز جزئی از آن است، می‌باشد. مطابق با نظر «استیوارد» صافی فرهنگی دارای یک نقش فعال می‌باشد که تاثیرات محیط را روی فرهنگ روشن می‌سازد. با توجه به مفهوم اکولوژی، نه بیولوژی انسانی و نه فرهنگ او، نه محیط طبیعی و نه محیط زیست انسان، بدون تاثیر و ارتباط بر یکدیگر، نمی توانند به طور جداگانه از م وجود داشته باشند (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰). در مورد هستی شناسی مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی برخی پژوهشگران همچون «پیتر بوردی» (Bourdieu, 1977) از فلسفه پدیدارشناسی کمک می گیرند و بوم‌شناسی فرهنگی و دیگر پژوهش‌های پارادایم عملگرایی و یا اثبات‌گرایی را با فلسفه پدیدا شناسی تکمیل می‌کنند. تمرکز پدیدارشناسان بر مفهوم بودن در جهان و ارتباط آن با مکان و معنای سکنی گزیدن با مباحث مطرح در بوم شناسی فرهنگی قرابت می یابد. در نظر برخی بوم شناسان سکنی گزیدن تجربه جدای از محیط نیست و از دانش حاصل از تجربیات حیاتی در محیط که نظام ترجیحات آنان را شکل می دهد؛ پدید می آید (Zarin, ۲۰۱۰, p. ۷۵). اینکه فعالیت های انسان ها در محیط و استفاده مکرر آن ها از برخی اشیاء موجود در محیط (چشم انداز فعالیتی) نقش این اشیاء را از ابزار صرفا مکانیکی به اشیاء قابل ارجاع به یک مفهوم یا فعالیت بدل می سازد را می توان با مفهوم های دیگری در مورد گرد هم آوری چیزها در «سکنی گزیدن» مقارن دانست (Zarin ,2010, p. 75) بدین ترتیب در رویکرد بوم شناسی فرهنگی با وجود تاکید بر عوامل پیچیده ارتباط انسان و محیط که صرفا مادی نیست و در عوامل ژنتیکی و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد همچنان جهان بینی از درون بینش متریالیستی بیرون می آید و پا فراتر از آن نمی‌گذارد. در جدول ۳ می‌توان گرایشات گوناگون بوم شناسی فرهنگی و شاخص های روش شناختی هر گرایش را مشاهده نمود:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

جدول ۳. گرایشات گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی؛ ماخذ: مارکت، ۱۳۸۳.

عنوان گرایش	شاخصه های نظری	شاخصه های روش شناختی	اندیشمندان مهم
رویکردهای تاریخی و مادی	مفاهیم استیوارد در مورد هسته فرهنگ و محیط موثر مادی گرایی فرهنگی تاکید بر فرایند های تاریخی	تاکید بر امور خانگی به عنوان واحد تحلیل کاربرد مستمر از تحلیل جمعیت شناختی	مک نتینگ، ویازو، لی، لوفگرن، ویلک، فریک، بنت
رویکردهای شناختی- اعتقادی	ارتباط با زبان شناسی و گیاه شناسی قومی اشاره به جنبه های شناختی و تاویل جمعیت نقش مفاهیم محیطی و باورها علاقه به جامعه شناسی طبیعت	مقوله بندی اصطلاحاتی که برای دنیای طبیعی به کار می رود	کونکلین، راپاپورت، دسکولار، پالسون، کرول، پارکین، میلتون
رویکردهای تعامل گرا	تاکید بر تعامل دوسویه بین گروه های انسانی و محیط مسائل مرزی ایده انواع بوم استراتژی ها و فرایندهای سازگاری تاثیرات نظریه عملگرا	خانه به عنوان واحد تحلیل تاکید ویژه بر جوامع کشاورزی تحلیل جوامع	بارت، سالین ها، وولف، گوتس، اینگلد
رویکردهای کاربردی	تاکید بر مشکل توجه به مکان هایی که تلاش محیطی در آن رخ داده است رویکردهای بوم شناسی سیاسی به تاثیر از اقتصاد سیاسی	تحلیل فرایند های تصمیم سازی انسان (مثلا تصمیم گیری در مورد نحوه استفاده از زمین)	ویلک، چپینگ، اسکمینک، وود، شریدن

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۳- بوم شناسی فرهنگی و الگوی سکونت در ایران

در بوم شناسی فرهنگی کنش متقابل محیط و انسان به گونه‌ای منسجم «زیست-جهان» انسان را تشکیل می‌دهد. محیط با ویژگی های خود مبانی فکری ساکنانش را می‌سازد و عینیت های موجود در محیط در دنیای ذهنی انسان ها محمل معانی بسیاری می باشد. کنش های خلاقانه انسان‌ها در ساخت ابزار و بهره گیری از محیط در خودِ محیط نهفته است. محیط توان‌های بالقوه خود را در عینیت های ملموس به انسان می‌نمایاند و این موضوع در واژه «تخنه» (Techne) یونانی که به معنی «بازگشایی» خلاقانه حقیقت و ریشه واژه تکنولوژی است قابل توضیح می باشد (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

گونه «مسکن حیاط‌دار» تقریبا از زمانی که انسان در حال ساخت خانه خود بوده است، وجود داشته است (Bridson 2012, 1). حیاط تقریبا در تمام دوره های تاریخ معماری، در هر بخشی از جهان به عنوان یک عنصر سازماندهی در تمام انواع ساختمان، استفاده می شود. خانه ها، کاخ ها، صومعه ها، مساجد ، مدارس، ساختمان‌های اداری و خصوصی. از پیدایش خانه های سنتی تاکنون، توجه به خانه های حیاط دار به هفت هزار سال قبل از میلاد در «چاتال هویوک»[19] (آناتولی) و ده هزار سال قبل از میلاد در پکن (چین) مربوط می شود (Eyüce 2012, 22). گونه هایی را که در طول تاریخ معماری پایدار می مانند می توان به دلیل دارا بودن ارزشی عمومی «گونهٔ کلی» خواند. به هر صورت، این گونه‌های کلی گاه ناپدید شده و از نو پدیدار می‌گردند (نوربری شولتز ۱۳۹۲، ۲۰۰)؛ چنانچه استحصال آب به وسیله سیستم قنات

19. Çatalhöyük

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

در ایران و ساخت بادگیر در بناهای مسکونی ایرانی به وضوح تکنولوژی‌هایی هستند که ریشه در شرایط محیطی دارند و الگوی یکجا نشینی ایرانیان را تکمیل و تثبیت می کند. هرچند نمی توان تکنولوژی را جبراً معلول محیط دانست چرا که با دست یابی به تکنولوژی، محیط نیز دستخوش تغییر می‌گردد، با تغییر محیط زیست‌جهان نیز دگرگون می شود و با تغییر زیست جهان و جهان بینی تغییر مجددی در تکنولوژی ایجاد می گردد. بوم شناسان فرهنگی چنین تاثیرگزاری و تاثیر پذیری را به عنوان علیت دو طرف شرح می دهند. پدیدارشناسان نیز تثبیت سکوت انسان در مکان را در چنین ارتباطی و با عبارت «گردآوری چیزها» و «باشیدن» (bauen) تعبیر می‌کنند. زمین عرصه‌ای است که زندگی روزانه انسان در آن رخ می دهد. می توان آن را تا اندازه ایی با تکنولوژی شکل داد و به رابطه ایی فرا عینی رسید. بدین طریق چشم انداز طبیعی تبدیل به چشم انداز فرهنگی می شود، یعنی محیطی که در آن انسان مکان خود را درون یک کلیت بدست آورده است (شولتز، ۱۳۸۸، ص ٦٤).

در الگوی سکونت ایرانی به ویژه مناطق در مرکزی و شرقی زیست جهان عینی به موجودیت‌های ساده و محدود تقلیل می‌یابد، این مناطق دارای زمین مسطح و یکنواخت با افقی در دور دست و آسمانی بلند و عموما بدون ابر با خورشیدی سوزان که حرکتش در آسمان و تغییر مسیر حرکتش در فصول مختلف از خاور به باختر کاملا قابل درک است. زمین و آسمان در این منطقه شرایط دشواری را برای زندگی انسان ایجاد می کنند و نظم و ضرب آهنگ زندگی و شبانه روز به واسطه آسمان پر ستاره شب و پرنور روز ادراک می شود. می توان آسمان این منطقه را پویاتر از زمین آن دانست و بدیهی است که مردمان این سرزمین توجه ویژه ای به آسمان داشته باشند، توجه برای جهت یابی از روی خورشید و ستارگان مکان افراد را نیز وابسته به آسمان نموده است و ابعاد روحانی و شگفتی های غیر زمینی به واسطه چنین کاربرد آسمان که مکان افراد را تعیین می کند همواره در جهان بینی ایرانیان حضور داشته است هرچند این بدان معنا نیست که علت ظهور و گسترش ادیان الهی به ویژه اسلام در این سرزمین شرایط محیطی آن است بلکه ارتباط تعاملی یا علیت دوطرفه را می توان برای آن ذکر نمود. ساکنان این سرزمین نیز با استفاده از ابزارهایی که محیط در اختیارشان گذاشته به کشف و بالفعل سازی توانش های بالقوه آن پرداخته اند و از آنجا که شرایط محیطی سخت، محدودیت های پرشماری برای زندگی ایجاد نموده است با اتکا به تکنولوژی و در شرایط خاصی سکونت را شکل داده اند. بنابر این سکونت در ایران معلول علت هایی است که آن علت ها در کنش متقابل و تعامل دوطرفه با هم هستند و این علتها عبارتند از محیط، جهان بینی و تکنولوژی.

علاوه بر توپولوژی و نوع اقلیم ایران عامل محیطی دیگری که بر الگوی سکونت تاثیر بسزایی دارد مکان جغرافیایی سرزمین ایران است که به عنوان پلی از شرق به غرب بوده و از نظر ذخایر طبیعی نیز اهمیت زیادی در طول دوران داشته است چنین شرایطی همواره برای ساکنان مخاطرات امنیتی را به همراه داشته و لزوم وحدت و اتحاد جوامع را به یکی از ملزومات اجتماعات ساکن بدل ساخته است و در چنین جمع گرایی برگرفته از محیط و در تعامل با فرهنگ ایران همچون آداب صله رحم و دیدار و بازدید نوروز نمایان می شود و هرچند نمونه‌های پیش از مدرنیته به واسطه وجود خانواده‌های گسترده که در خانه های سنتی ایران ساکن بودند مثالهای ملموس تری از الگوی سکونت ایرانی را نمایان می سازند. الگوی سکونت ایرانی همچون شریعت اسلامی که علاوه بر ابعاد فردی عبادت و تفکر در کنار ابعاد اجتماعی آن تاکید دارد، سلسله مراتبی از خلوت و حضور در جمع را ایجاد می‌کند. شگفتی های آسمان دور از دسترس تعبیری خاص هر فرد را ایجاد می کند و شرایط امنیتی لزوم تعلق به یک جمع را حیاتی می‌سازد. بدین‌ترتیب چشم انداز فعالیتی (Task scape) اجتماع ایرانی دارای دو بعد جمعی و فردی برگرفته از محیط می باشد.

خانواده گسترده بر خلاف خانوارهای پراکنده امروزی شامل سه نسل از اعضای یک خانواده شامل پدربزرگ و مادربزرگ، فرزندان و نوه ها می باشد و بدین ترتیب خانه به عنوان ظرف چنین مظروفی دارای قدمتی برابر حداقل سه نسل می باشد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲) و هر فرد شاهد زندگی نسل‌های گذشته خود در مکان زندگی می باشد و همانند پیوند خانوادگی از نظر زمانی نیز با گذشته پیوند می خورد و زمانمندی به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی در الگوی سکونت ایرانی قدمتی حداقل سه نسل دارد. الگوی سکونت ایرانی در مکانی پدید آمده است که با انواع تکنولوژی‌ها شرایط محیطی سخت را به شرایط مساعد زیستی بدل ساخته است و نیز بر اساس مطالبات ساختاری خانواده گسترده طیفی از فضا از خصوصی ترین به عمومی ترین فضا را در دسترس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

ساکنان قرار می دهد و با توجه به زمانمندی آن، عناصر گوناگون علاوه بر کارکرد فیزیکی کارکرد ارجاعی نیز یافته اند؛ بدین ترتیب ورود عناصر محیطی و تکنولوژیکی به فرهنگ، تعلقات مکانی را به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی باعث می شود.

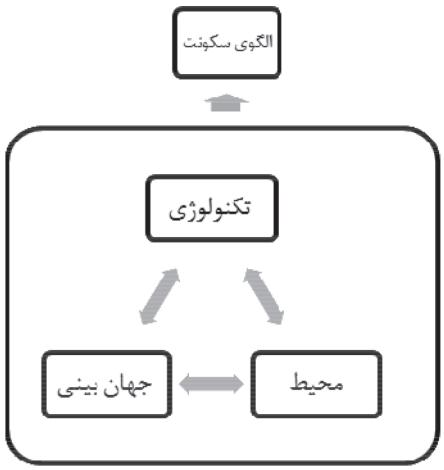

نمودار ٤. عوامل موثر بر الگوی سکونت در ایران؛ مأخذ: نگارندگان

برای به دست آوردن یک معماری منطبق بر سایت و یک ساختمان پاسخگو به اقلیم، باید متغیرهای طراحی مانند جهت‌گیری، ابعاد و هندسه فرم ساختمان و ویژگی حرارتی مصالح، در ساختمان در نظر گرفته شود. ساختمان سازی در اثرات جانبی شرایط دشوار طبیعت برای انسان ریشه دارد. خانه سنتی بومی، حاصل مبارزه و هماهنگی بین انسان و طبیعت است. فن آوری زیستی– اقلیمی، که با شرایط طبیعی محل سازگار شده، در خانه‌های سنتی در سراسر جهان استفاده شده است. حتی در منطقه‌ای با شرایط آب و هوایی شدید، فن آوری های موثر و پاسخگو به اقلیم را می توان در خانه سنتی یافت (Xu., Zhang and Xie 2006, 1). حیاط یکی از عناصر معماری سنتی است که همه فضاهای یک ساختمان پیرامون این فضای باز و مستطیلی قرار گرفته است. این ساختار فضایی، عملکرد محیطی و اجتماعی دارد و در حالیکه به عنوان یک منبع نور و گرما و هوای تازه عمل می کند، یک فضای خصوصی می‌سازد (Cho and Mohammadzadeh 2013, 2326). «حیاط» به عنوان یک عنصر سازماندهی فضایی خانه، خصوصی سازی یک فضای باز کاملا تحت کنترل ساکنان خانه است؛ که تقسیم فضایی روشن از حوزه‌های عمومی و خصوصی فراهم می‌سازد. به عنوان یک عنصر کنترل کننده اقلیمی، به عنوان یک تنظیم کننده اتلاف حرارت عمل می‌کند (Eyüce 2012, 22). با وجود این واقعیت که تمام ساختمان‌های سنتی در هماهنگی با طبیعت هستند و اگر چه فرهنگ های مختلف رویکردهای خود را در مقابله با تاثیر نیروهای طبیعی دارند، نمونه های متعددی از فرهنگ‌های مختلف در منطقه جغرافیایی مشابه سکونت داشته و به فرم ساخته شده خود به روش خود شکل داده اند. بنابراین خانه‌های حیاط دار به عنوان اجزای سکونت، در درجات مختلفی از تراکم و بسته به تفسیر فرهنگی از محیط زیست طبیعی ظاهر می شوند (Eyüce 2012, 22). در شناخت مفهوم خانه حیاط‌دار، تمایز میان فرم و شکل ممکن است مفید باشد. فرم اشاره به اساس سازمان‌دهی فضا (و همچنین زمان، مفهوم و ارتباطات) دارد. در این راستا، اهمیت تغییر در شکل و یا مصالح کمتر از روابط میان حوزه ها است. به عنوان مثال بر اساس این تمایز، روستاهای گینه نو و نمونه‌های قابل مقایسه از آمازون برزیل، اهمیت نسبی شکل خانه و فضاهای مرکزی در مقابل فرم آن را نشان می‌دهد. این مثال نشان می‌دهد که حیاط می‌تواند مربع، مستطیل، گرد یا بی‌شکل باشد و حدود آن را می‌تواند به روش‌های مختلف تعریف شود (Rapoport 2007, 58).

جایگاه حیاط در الگوی سکونت ایرانی

در قسمت های پیشین تاثیر عوامل محیطی شامل اقلیم، توپولوژی و مکان جغرافیایی در الگوی سکونت به سه صورت تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ذکر شد و در ادامه حیاط خانه ایرانی به عنوان نمونه فضای کالبدی برآمده از الگوی سکونت ایرانی معرفی خواهد شد. حیاط خانه ایرانی فضایی است که همزمان از کنش و تعامل متقابل تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ساکنان پدید آمده است و نشانگر سازگاری انسان با مجموع شرایط محیطی است. در شرایط محیطی قسمتهای عمده ای از فلات مرکزی ایران ابجاد مکانی برای آسایش انسان تنها با ساختن فضایی محصور و جدا شده از اطراف امکان پذیر است که خُرد اقلیمی در حد یک خانه را پدید می‌آورد. تبعیت این فضا از نظم بر آمده از محدودیت در ابتدا ضرورت است سپس این موضوع در هماهنگی با اندیشه کیهانی و پیروی از هندسه و نظم برگرفته از آن قرار گرفته و بیان قدرتمندی می‌یابد. شرایط زیستی بوسیله تکنولوژی اقلیمی معماری و استحصال آب در یک حیات محصور که در بیشتر موارد پایین تر از سطح

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

معابر واقع شده است ایجاد می گردد به طور همزمان شرایط نامساعد خارجی تصور فضای آرمانی را به عنوان هسته فرهنگ (بخشی از فرهنگ که متاثر از محیط است) به صورت مکانی سرسبز با حضور آب می‌نمایاند. همچنین نوع معیشت به صورت خانواده گسترده الزام بهره‌گیری تمام اهالی خانواده از این فضا را ایجاد می‌کند و فصل مشترک چنین گرایشات همزمانی در حیاط خانه ایرانی متجلی می‌گردد. در ادارمه به تشریح چگونگی انطباق الگوی حیاط خانه ایرانی با عوامل برگرفته از محیط پرداخته خواهد شد.

٤- حیاط خانه ایرانی به مثابه تکنولوژی اقلیمی

استاندارد بالای زندگی منجر به اقلیمی‌شدن ساختمان‌ها شده است. سیستم‌های سرمایش و گرمایش بدون هرگونه سازگاری با ساختمان‌ها نصب می‌شوند که این وسایل جدید، منجر به مصرف انرژی بیش از حد و هزینه بالا می‌گردند و همچنین ممکن است به ساختمان آسیب برساند. ساختمان‌های اخیر بدون سیستم اقلیمی فعال، منجر به هزینه بالا و خطرات سلامتی خواهند شد (Rosenlund 2000, 4). «حیاط»، یکی از عناصر معماری بومی است که سابقه بسیار طولانی در فضای مسکونی بشر داشته است. تجربه حیاط به عنوان صحنه درونگرا از زندگی روزمره، ویژگی‌های مشخص از معماری است که دوباره و دوباره در فرهنگ های مختلف و تحت تفاسیر متفاوت ظاهر می‌شود. در کهن الگوی خانه حیاط‌دار سنتی، حیاط همیشه در مرکز، هسته حیاتی خانه را تشکیل می دهد. معماری مدرن از طریق مجموعه‌ای از فعالیت ها که همیشه شامل یک جزء برگرفته از کهن الگوی خانه حیاط‌دار سنتی است، به مفهوم حیاط نزدیک است (J. Ferrer Forés 2010, 841). در اقلیم گرم و خشک فلات مرکزی ایران که در معرض تابش و سیاه بادهای کویری قرار دارد بافت شهری به صورت متراکم ساخته می شود و حیاط مرکزی راهکاری مناسب جهت ایجاد فضایی محفوظ از سیاه باد می باشد. جهت گیری حیاط نیز به گونه ای تعیین می شود که با سایه اندازی جداره ها روی هم یا به واسطه انواع سایبان‌ها از شدت تابش تابستان کاسته شود و درختان در این سیستم نقش سایبان هایی را ایفا می کنند که در تابش مایل خورشید در صبح و بعد از ظهر بهتر از تابش‌بندها عمل می نمایند. جهت گیری فضاها در اطراف حیاط نیز به گونه ایی بوده است که در کنج های حیاط فضا های خدماتی و در بدنه فضا های اصلی جانمایی می گردد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

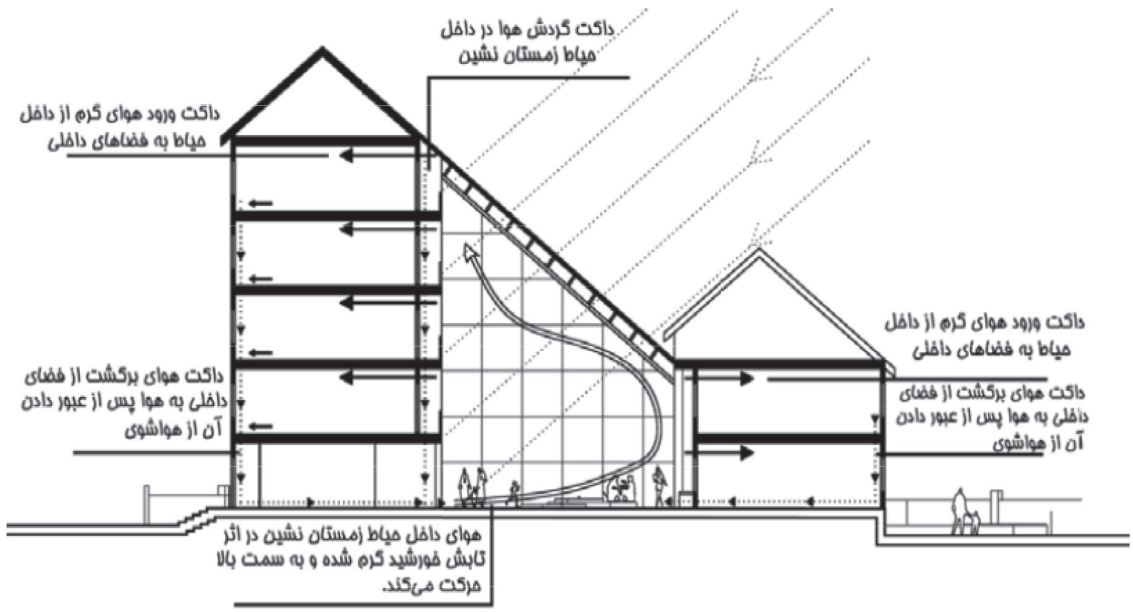

تصویر ۲. کارکرد زمستانی حیاط زمستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ١٤٤.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

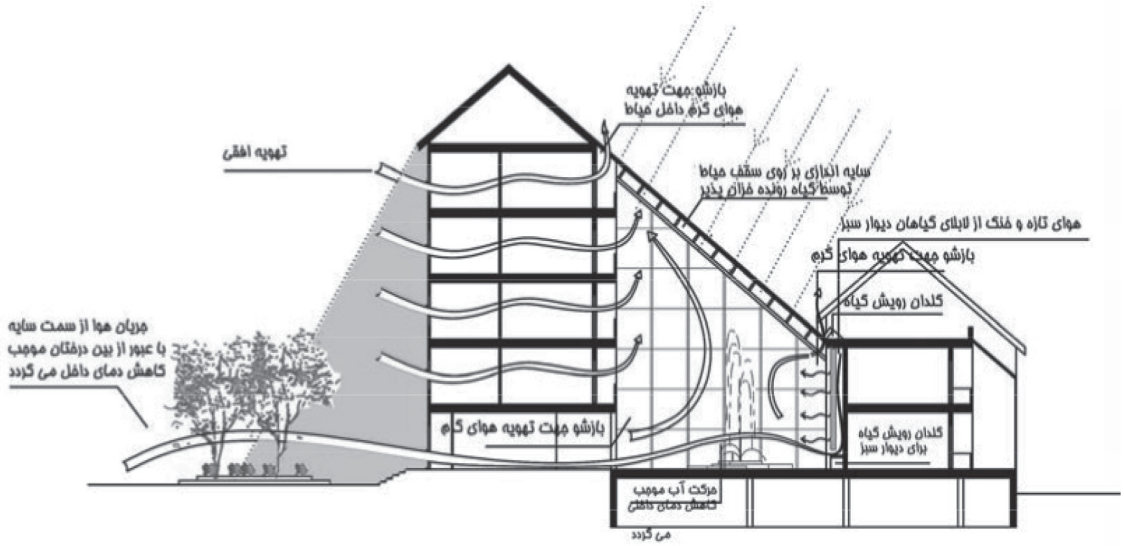

تصویر ۳. کارکرد زمستانی حیاط تابستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

به چهار دلیل سطح حیاط را پایین‌تر از سطح معابر می‌ساختند که عبارتند از: ۱- ایجاد حرکت آبهای روان سطحی به داخل حیاط و ذخیره آن در آب انبار و نیز آبیاری باغچه ها ۲- استفاده از خاک گودبرداری شده به عنوان ماده اولیه خشت های ساختمان در صورت مناسب بودن خاک ۳- کاهش تبادل حرارتی داخل به خارج و استفاده از تعادل حرارتی داخل زمین ٤- انتقال نیروی رانشی جداره ها به تکیه گاه عمودی جداره های گود برداری شده (قبادیان ۱۳۸۵، ص ۱۳٤). حیاط خانه ایرانی با ایجاد شرایط زیستی مناسب می‌تواند محل پرورش انواع درختان مثمر باشد و با تامین میوه‌های فصلی برای ساکنان مفید باشد. برای نمونه نام‌گذاری برخی حیاط‌ها در خانه‌های ایرانی با توجه به محصول درختان آن می‌باشد. همچون نارنجستان که محل پرورش مرکبات می باشد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). به طور خلاصه حیاط را می‌توان به عنوان ابزاری کا با ایجاد خرد اقلیم مطلوب آسایس فیزیکی را در فضای مسکونی سنتی ایرانیان فراهم می آورد و ارتباط با طبیعت سبز و آب را ممکن می سازد، قلمداد نمود.

۵- حیاط به مثابه فضای امن خانوادگی

یکی از مهم ترین نقش‌های حیاط در سکونت به سبک ایرانی اهمیت کارکردی حیاط است. این فضا به عنوان فضای تجمع اعضای خانواده و انجام برخی فعالیت ها همچون بازی کودکان، استراحت و ورزش برای مردان و انجام برخی کارهای منزل توسط بانوان، به عنوان اتاق فراخ بدون سقف عمل می‌کند (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹). حیاط فضای امنی برای تمام اعضای خانواده گسترده ایجاد می کند. همانگونه که در الگوی سکونت ذکر شد ایرانیان به واسطه مکان جغرافیایی سرزمینشان، در دوران زمانی متعددی با ناامنی مواجه بودند و تاثیر این موضوع بر الگوی سکونت را می توان در کاهش روزنه‌ها به معابر عمومی و درونگرایی خانه‌های ایرانی مشاهده نمود. علاوه بر این ضرورت همبستگی در چنین شرایطی ایجاد خانواده های گسترده می باشد که به طور سنتی توسط بزرگ خاندان مدیریت می شود. حیاط نیز به عنوان بخش جمعی خانواده دسترسی آسانی برای تمام افراد ایجاد می‌کند و به عنوان قلب بنا و مایه حیات و تغذیه تمام قسمت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

های خصوصی و نیمه خصوصی وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده را ایفا میکند. هرچند حیاط خلوت ها نیز در خانه های سنتی فضای باز خصوصی را برای افراد تدارک می بیند، در جای خود اهمیت ویژه ای دارند که در محدوده این پژوهش نمی گنجد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

اینکه ورودی خانه به طور مستقیم در حیاط باز نمی‌شود و از طریق دالان‌هایی به آن دسترسی می یابد علاوه بر اینکه حیاط را به عنوان مامن خانوادگی معرفی می کند به آن هویت مستقل و مشخصی می‌بخشد که بر خلاف وضعیت خانه‌های معاصر تنها محل عبور نیست بلکه محل سکون و دیدار است. همچنین تداوم فضایی اتاق‌ها به ایوان‌ها و سپس به حیاط تدریجی از فضای بسته به باز یه واسطه درب پنجره های تمام قد حاصل شده و در ضرورت می توان با گشودن آن ها از مجموعه به صورت یک پارچه استفاده نمود (حائری، ۱۳۸۸، ص ٦٩). مرکزیت و محصوریت حیاط علاوه بر آنچه ضرورت های تکنولوژیکی آن اقتضا می کند اهمیت کارکردی در ایجاد دسترسی مناسب و نیز امنیت را نشان می دهد و در مواردی که جداره حیاط به خانه مجاور و یا معبر منتهی می‌گردد با وجود عدم روزنه و درب در دیوار یاد شده ارتفاع آن هماهنگ با دیگر دیوار های بنا حفظ می شود و خللی در ایجاد محصوریت و مرکزیت احساس نمی شود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).

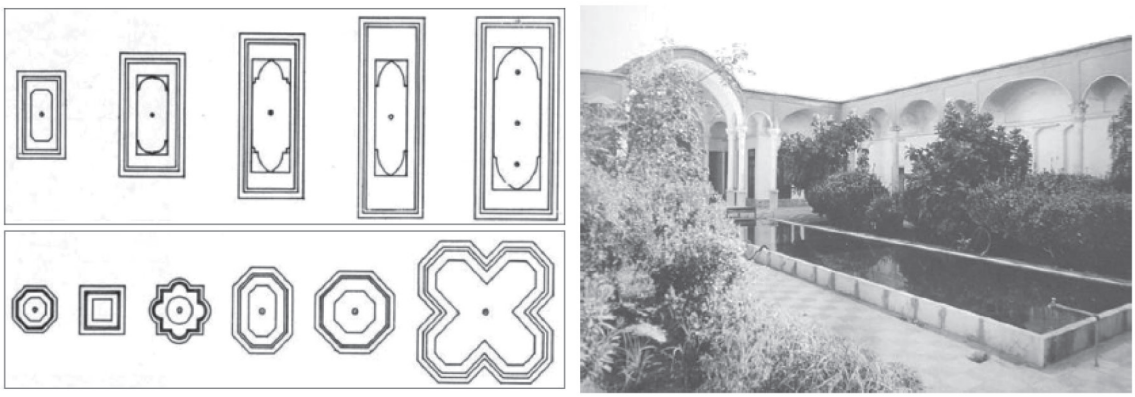

تصویر ٤. حیاط در خانه های سنتی و حوض آب در آن؛ ماخذ: رییسی دهکردی، ۱۳۹٦، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-٦۷.

تصویر ۵. حیاط در مسکن و نقش فرهنگی در ارتباطات خویشاوندی؛ ماخذ: رییسی دهکردی، ۱۳۹٦، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-٦۷.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

٦- حیاط به مثابه فضای آرمانی

همانگونـه کـه در قسـمت های قبلی به آن اشـاره شـد، محیـط و جهـان بینـی در نظـر بوم‌شناسـان فرهنگی در تعاملـی دوطرفـه هسـتند و جهـان بینی مردمـان فلات مرکـزی ایـران نیـز از آنجـا کـه زمیـن ایـن سـرزمین گسـتره ای یکنواخت و بدون عنصـر جلب توجه‌کننده اسـت و در مقابـل آسـمانی بلنـد و روشـن در روز و پر سـتاره و اسـرار آمیـز در شـب دارد؛ آنچـه در زمین می سـازند به تبعیت از نظم و وحـدت کیهانی و آن جهانی می باشـد. نمـی تـوان نقش موقعیـت مکانی سـرزمین ایـران را نیـز در جهـان بینـی مردمـان آن انـکار نمـود. بـرای نمونـه توصیـه بـه رعایـت حریـم هـا در جامعه و ایجـاد سلسـله مراتـب دسترسـی هـا نمونـه کالبدی چنیـن تاثیـری مـی باشـد؛ بدیـن ترتیـب حیـاط حریم خانـواده اسـت کـه در طـول دوران و بـه ویـژه پـس از اسـلام بـه عنـوان اصـل معماری رعایت شـده اسـت و حریم های شـخصی افـراد در سلسـله مراتب تدریجی از حیـاط متظاهـر می شـود. در بسـیاری از نمونه ها نیز چندیـن حیاط حریـم های متفاوتی برای سـاکنین خانه ایجـاد می‌کنـد و ضرورت رعایت حریـم در جهان بینی اسـلامی اسـت کـه حیـاط برونـی و حیـاط اندرونی به عنـوان انـدام های اصلـی کالبدی معمـاری خانه مطرح می سـازد. ایـن موضوع به عنـوان اصـل درونگرایی در معمـاری ایران مطرح شـده و سـبب می شـود فضاهای بـاز در میـان فضا های بسـته بنشـیند و فضای بسـته آن را همچـون حصاری دور بزند (نوایـی، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

ایـن اصل همچنین سـبب می‌شـود جـداره بیرونی خانه کمتر روزنه ایی بجز ورودی به معبر داشـته باشـد. در منابـع ادبـی نیز از حیاط بـه عنوان «میان سـرای» یاد شـده اسـت که مرکزیت و درونگرایی را تلویحاً اشـاره دارد (سـلطانزاده، ۱۳۹۰، ص ٧٤). عـدم وجود شـرایط مناسـب بیرونـی اهمیـت باطـن و درون و کشـفیات شـهودی در خیالـی باشـکوه و در تقابـل بـا عینیت‌های مـادی در اندیشـه اسـلامی و عرفانـی دوچنـدان نموده اسـت و می‌تـوان بی تزئینی و سـادگی نمادهای بیرونی سـاختمان ها و شـکوه و زیبایـی جداره‌هـای داخلی به ویـژه جداره‌هـای حیاط مرکـزی از دیوارهـای عمودی، کفسـازی، حـوض، باغچه و گلسـتان را محصول چنین اندیشـه‌ای دانسـت. تزئیناتـی که در خدمت فضای سـه بعـدی اسـت و نه پوسـته دوبعدی و به جـای آن که در برابـر انسـان بایسـتد و قد علم کنـد، او را احاطه کرده و در بـر مـی گیـرد. می‌توان بـه خیال معمـار کـه متاثر از جهـان بینی خاص این سـرزمین اسـت و بـه اصل، کنه و درون، در پس پرده و حجاب، زیبایی در سـیرت و نه در صـورت، معنـی و مغـز، مروارید و نه صـدف اعتبار می‌بخشـد، اشـاره نمـود کـه در ایجاد چنیـن فضاهایی نقـش اساسـی ایفا می‌کننـد (نوایـی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

یکـی از مـوارد مهـم در جهـان بینـی که نمـی توان آن را بـی ربـط به محیط دانسـت اهمیـت آب در حیاط خانـه ایرانـی اسـت. در جهـان بینـی اسـلامی آب مایه حیـات و پاک‌کننـده نا پاکی هاسـت و وجود حوض در حیـاط عـلاوه بر بهره هـای اقلیمی برای ایجـاد طراوت و سـرزندگی اهالـی، آبیـاری گیاهان و مصـرف خانگی بـه کار مـی‌رود و در ایـن سـطح از تاثیـرات محیطی به واسـط جهان بینی اهمیت آب به واسـطه ارزش نمادین آن اسـت. وجـود گیـاه و درخـت عـلاوه بـر آن چه که ذکر شـد معـرف تاثیرات جهـان بینی می باشـد. ارتباط بـا طبیعـت به ویـژه آب و گیاه در ایجـاد فضایی آرمانی همچـون بـاغ بهشـت اهمیـت مـی یابـد. در شـرایط سـرزمینی فـلات مرکـزی ایـران گوشـه ای از طعـم بهشـت کـه در زیـر درختـان آن نهرها جـاری و فضای آرمانـی آنـان را می سـازد در حیـاط خانه تـدارک دیده مـی شـود فضایی کـه از باورهای معماری و بـه تاثیر از شـرایط سـخت محیطی نشـات گرفته و در حیاط خانه ایرانـی نمـود کالبدی یافته اسـت. باورهایـی که عناصر طبیعـی همچون آب و درخت را نشـانه‌هایی از خداوند دانسـته و شـناخت آن را نشـانه ایی از شناخت خداوند بیـان مـی کنـد (امیـن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ٤٣)؛ بدین‌ترتیب همبسـتگی مـکان جغرافیایـی، اقلیـم و توپولـوژی کـه عوامـل محیطـی را تشـکیل می‌دهنـد با جهـان بینی در حیـاط خانـه (بـه عنـوان نمونه مـورد پژوهـش) ایرانی نمـود کالبـدی می‌یابـد. مطابـق بـا آنچـه گفته شـد در بوم‌شناسـی فرهنگـی در یـک نگاه کل‌نگـر ویژگی‌های محیطی و فرهنگی در بسـیاری سطوح (هسته فرهنگی) مرتبـط با هم هسـتند و نمی توان پدیـده های حاصل از آن هـا همچـون الگوی سـکونت را تنهـا متعلق به یکی از آن هـا دانسـت و در مـورد پژوهـش ایـن تحقیـق که همانـا حیاط خانه ایرانی می باشـد عوامل بوم شـناختی بـا تأثیر و تأثر از ویژگـی فرهنگی یعنی تکنولوژی، نوع معیشـت و جهان بینی الگوی سـکونت در فضای باز را تشـکیل می‌دهنـد. در نمـودار ۵ مـی توان نحـوه ارتباط مـوارد یاد شـده رابـه اختصار مـرور کرد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

۷- نتیجه‌گیری و جمعبندی

بوم‌شناسی فرهنگی، علمی کل‌نگر است که مجموع شرایط محیطی و فرهنگی را مرتبط با هم و دقیق مورد پژوهش قرار می‌دهد. این علم بین علوم تجربی و علوم انسانی پل می زند و نگاه تخصصی و یکسو نگر معرفت شناسی اثبات گرایی را به چالش می کشد. این علم از آنجا که یک دست در شناخت عوامل بومی و محیطی و دست دیگری در شناخت عوامل فرهنگی دارد می تواند در ایجاد معرفتی کل گرا در زمینه های طراحی محیط بویژه معماری، راه گشا باشد. البته شناخت گرایشات این علم و روشهای پژوهش در آن مهمترین وظیفه علاقمندان به آن می باشد همچنین این زمینه علمی به همراه بوم شناسی سیاسی و بوم شناسی جدید که ریشه دربوم شناسی فرهنگی دارند در مطالعات معماری شناخته شده نیستند. پژوهش حاضر در تلاش برای آغاز این شناخت سعی در استفاده از مدلهای بوم شناسی فرهنگی در بازخوانی ویژگیهای حیاط خانه های سنتی ایرانی داشت و از آنجا که این زمینه علمی در محافل معماری کمتر بکار گرفته شده است، خالی از اشکال نیست. دراین پژوهش با مطالعه عوامل بوم شناختی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی و همبستگی آن با عوامل فرهنگی نظیر تکنولوژی، نوع معیشت و جهانبینی بررسی و تلاش شد، الگوی سکونت مردمان این سرزمین از این طریق شناسایی شود؛ سپس حیاط مرکزی درخانه سنتی ایرانی بعنوان فضای کالبدی محصول و برآیند تمام عوامل یادشده بازخوانی و معرفی گشت. بوم شناسی فرهنگی در ساخت محیط پایدارانسانی بدلیل نگاه کل‌نگر خود می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این بستر پژوهشی در سطحی بین المللی از گرایشات مورد توجه بوده و در معماری پایدار بدنبال تعریف اخلاق محیطی در ساخت بنا و چشم انداز می باشد. اخلاق محیطی مجموع اکوسیستم شامل انسان، محیط، فرهنگ و تکنولوژی را همزمان مورد پژوهش قرار می دهد و تعامل چند خطی را جایگزین رویکردهای تک خطی نموده است و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوم شناسی فرهنگی علمی است که در پارادایم های پسااثبات گرایی شکل گرفته است و این پارادایم‌ها نیز در نقد اثبات‌گرایی از محدوده ماده گرایی خارج نشده اند و با بیان دیگری می توان از آن به عنوان ماده گرایی فرهنگی نیز یاد نمود؛ بدین ترتیب یکی از زمینه های پژوهشی مفید، بررسی انطباق و یا عدم انطباق آن با معرفت شناسی اسلامی، نقد و اصلاح آن است. هرچند که متفکران آن از فرهنگ تنهای بخشی از ان که مرتبط بامحیط است (هسته فرهنگ) را در نظر می‌گیرند و خود نیز به این موضوع اذعان دارند و بخشهای دیگر فرهنگ که در ساخت محیط مؤثرند را نمی‌توانند توجیه کنند و با موضوع ارتباط دهند و فعلا سکوت می‌کنند.

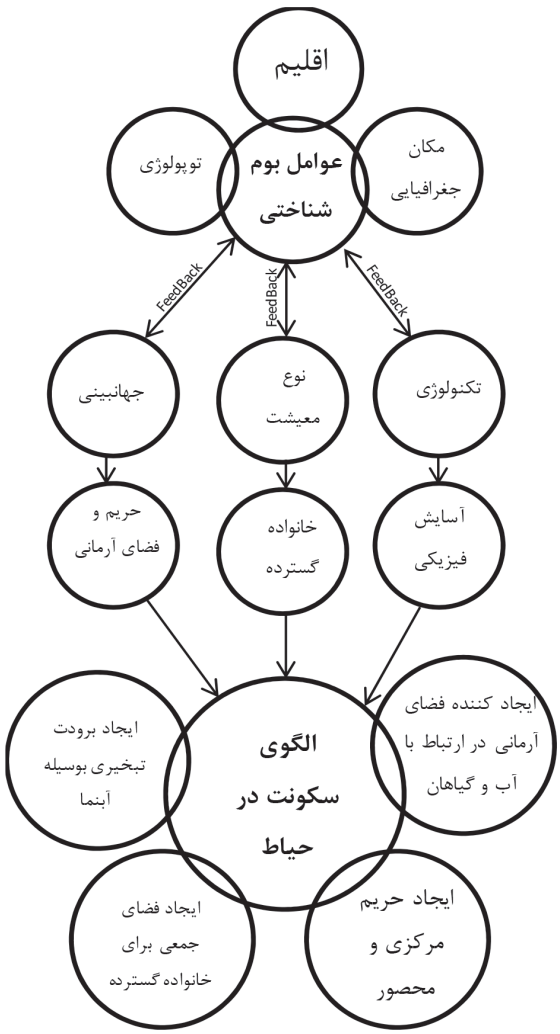

نمودار ۵. عوامل بوم شناختی در تعامل با عوامل فرهنگی در الگوی سکونت در حیاط؛ مأخذ: نگارندگان

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

۸- منابع و ماخذ

۱. آلپاگونوولو. آدریانو (۱۳۸٤) نوشیدن از چاه خویش: معرفی مسائل معماری بومی، معنا و چشم اندازهای کنونی آن، در معماری بومی، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.

۲. امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. صفه، ۳۱، ٤۳-۵۲.

۳. بل، سایمون (۱۳۸٦) منظر: الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.

٤. بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) باززنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان، مدیریت شهری، شماره ۲٦.

۵. حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

٦. دادخواه. مهیار (۱۳۸٤) گذری در گستره معماری بومی، در معماری بومی، آلپاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.

۷. رییسی دهکردی، افشین (۱۳۹٦) بررسی جایگاه حیات در معماری اقلیمی بناهای مسکونی شهری، مدیریت شهری، شماره ٤٦.

۸. سلطان زاده، ح .(۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل گیری انواع حیاط در خانه های سنتی ایران. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵، ٦۹-۸٦.

۹. شکویی، ح. (۱۳۷۲). جغرافیا و مذهب. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰، ۵-۲۳.

۱۰. صادقی پی. ناهید (۱۳۹۱) تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، شهر و معماری بومی شماره ۲.

۱۱. صرفیان پور، م. (۱۳۹۱، اردیبهشت ۲۱). مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده. معماری و شهرسازی اسلامی، ص. ۲۷۷-۳۰۰.

۱۲. عزیزی، ش.، دلپذیر، ع.، و مقدم، پ. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۱۲، ٦۱-۷۰.

۱۳. فکوهی، ن. (۱۳٦۵). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نی.

۱٤. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸٤) معماری بومی در ایران، در معماری بومی، آلپاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.

۱۵. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸٤) معماری بومی، فضایی ناشناخته، در معماری بومی، آلپاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.

۱٦. قبادیان، و. (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.

۱۷. ماتلاک، جان. ل (۱۳۷۹) آشنایی با طراحی محیط و منظر جلد ۱ و ۲، ترجمه و انتشار معاونت آموزش و پرورش سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران

۱۸. مارکت، ک. (۱۳۸۳). بوم شناسی فرهنگی. هنر، ۵۹، ۱۹۰-۱۹۸.

۱۹. معماریان. غلامحسین (۱۳۷۵) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه شناسی درونگرا، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

۲۰. معماریان. غلامحسین (۱۳۸٤) سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.

۲۱. مک هارگ، ایان (۱۳۸٦) طراحی با طبیعت، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.

۲۲. نوایی، ک.، و حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.

۲۳. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۸). روح مکان؛ به سوی پدیدار شناسی معماری. (م. شیرازی، مترجم) تهران: رخ داد نو.

۲٤. هاشمی، فاطمه و حیدری، بررسی کارکرد اقلیمی حیاط زمستان نشین در مناطق سردسیر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ٦، ۱۳۹۰.

۲۵. هاویلند، و. (۱۳۸۲). انسان شناسی فرهنگی. (م. گودرزی، مترجم) رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲، ۲۲-۳۱.

۲٦. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۷) «جایگاه اکولوژی و محیط زیست در توسعه پایدار مناطق شهری»، در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۷. یاوری، احمد رضا(۱۳۸۵) «اصلاحات ساختار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]

اکولوژیک: راهبرد موثر حل محیط زیست ناسالم شهرهای بزرگ»، مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، انتشارات دانشگاه تهران.
28. Batista, D., & Matos, R. S. (2013, June 10 - 14). Ecology and ethics: landscape architecture and sustainability. Scientific Conference, pp. 334338-.
29. Bourdieu, P. (1977). Outline of a Theory of Practice. (R. Nice, Trans.) Cambridge: Cambridge University Press.
30. Bridson. Danny, Courtyard Housing Study: Djingis Khan and The Kingo Houses, Sustainable Urban Design, Lund University, March 29th 2012.
31. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
32. 32. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
33. 33. Eisenstein, W. A., 2002, Ecological Design and Culture: Toward a Research Agenda. In: M. Elen Deming, (ed.), Annual Meeting of the Council of Educators in Landscape Architecture, New York.
34. 34. Eisenstein, W. A., 2005, Eco-Revelatory Design and the Values of the Residential Landscape, Unpublished thesis for the degree of PHD in Landscape Architecture and Environmental Planning, the University of California, Berkeley.
35. 35. Eyüce. Ahmet, Interdependence of Traditional House Form and Settlement Pattern, Intercultural Understanding, volume 2, 2012.
36. 36. Forman, R.T.T. – Alexander, L.E. 1998. Roads and their major ecological effects. Annual Review Ecological Survey (29) pp.207231-. Cambridge University Press, Cambridge.
37. 37. Hardesty, D. L. (1977). Ecological Anthropology. New York: Jhon wiley Sons.
38. 38. Ingold, T. (1993). The Temporality of the Landscape. World Archaeology, 25, 152174-.
39. 39. J. Ferrer Forés. Jaime, Courtyard housing: Environmental Approach in Architectural Education, International Conference on Technology & Sustainability in the Built Environment ,Riyadh, Saudi Arabia, 3- 6 January 2010.
40. 40. joralemon, d. (2010). exploring medical anthropology upper saddle river. New Jersey: prentice hall.
41. Rapoport. Amos, The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis, Traditional Dwelling and Settlements Review Journal (TDSR), VOL. 18 , No.2, 2007.
42. steward, j. H. (1972). Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution. Urbana: university of Illyrians press.
43. Sutton, M. Q., & Anderson, E. N. (2010). Introduction to cultural ecology. Maryland: AltaMira.
44. Xu. Feng, Zhang. Guoqiang and Xie. Mingjing, Ecological Technologies of a Chinese Traditional Folk House in Hot-Summer and Cold-Winter Zone, Proceedings of the Sixth International Conference for Enhanced Building Operations, Shenzhen, China, November 6 - 9, 2006.
45. Zarin, H. L. (2010). Making Place And Identity In The Interestics: (Land Of The Middle), PARÁ, razilL. Doctoral Dissertation Florida: University Of Florida.
46. Zhai, Zhiqiang (John) & Previtali, Jonathan .M (2010), Ancient vernacular architecture: characteristics categorization and energy performance evaluation, Energy and Buildings, 42 (2010).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-17]